

انتشارات انصار امام مہدی علیہ السلام / عدد (۳۶)

# حجت وصی وأوہام مدعی

(جزء اول)

مناظرہ ای بین طرفین دربارہ (آفرینش زمین)

جواب: سید أحمد الحسن الیمانی الموعود

وجواب مدعی اعلمیت (محمود الصرخی)

چاپ دوم

۱۴۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م

برای شناخت بیشتر درباره دعوت سید أحمد الحسن علیه السلام

می توانید آدرس سایت زیر مراجعه کنید:

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## این کتاب:

عبارت از یک مناظره بین جواب سید احمد الحسن علیه السلام وصی و رسول امام مهدی علیه السلام، و جواب محمود صرخی که مدعی اعلمیت دارد، می باشد، و آن بعد از زمانی که همه از مناظره نمودن با سید احمد الحسن علیه السلام امتناع کردند، و بر آن شدیم که:

بحث محمود صرخی در مورد (آفرینش زمین) حرف حرفش را بیاوریم.

و علاوه بر آن تعلیق توضیحی شیخ حیدر زبیدی در مورد جواب محمود صرخی در پاسخ سوال در (آفرینش زمین) نیز آورده ایم .

و هم چنین تعلیق همین سوال و خود آیات که از کتاب متشابهات جزء چهارم ص ۱۲۷- ۱۳۷ نوشته سید احمد الحسن علیه السلام تا خواننده محترم بتواند پاسخ ها را باهم مقایسه و خود نظر بدهد.

أنصار الإمام المهدي

(مكن الله في الأرض)

غرة ذي الحجة / ۱۴۲۶ هـ . ق

## اهداء

إلى عباد الله حقاً حقاً . . .

إلى أولياء الله علانية وصدقاً . . .

إلى خلفاء الله الذين حاج بهم الملائكة . . .

إلى أنبياء الله ومرسله وأوصيائهم من آدم إلى آخر المهديين . . .

إلى الصابرين على البلاء في جنب الله . . .

إلى المخذولين من الناس . . . والمنصورين من الله

إلى خاذلي الشيطان . . . وناصري أمر الرحمن

أهدي ثواب هذه السطور وأسأل الله أن يتوفني مسلماً ويحشرني مع أسيادي وأسياد الأنبياء

والمرسلين (محمد وآل محمد عليهم السلام) .

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

برای کسانی که طالب حق باشند لازم است خود را از از عبادت بت ها نجات دهد و با قلبی خالی از شرک و رغبت به عبادت بت های بشری متوجه عبادت خدا شود، که برای خدا ممکن نیست که ایمان و کفر صادق هم زمان در قلب جمع شوند، و باید اول منکر طاغوت شود و سپس به خدا ایمان بیاورد، ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ﴾<sup>(۱)</sup>. (بنابر این، کسی که به طاغوت [بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد).

و هر گاه انسان از تمامی قیود شرک خود را رها کرد و با قلبی خالی از بند های عاطفه و تعصبی متوجه خدا شود، و حق را با میزان و موضوعاتش طلب نمود و به همین جهت فرموده آن هاست که فرمودند: (اعرف الحق تعرف أهله)<sup>(۲)</sup>. (حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی).

چند سالی از دعوت بر حق سید احمد الحسن عليه السلام می گذرد، که در این مدت در میدان علمی، پاسخ هایی در مورد بعضی آیات قرآنی که متوجه سید احمد الحسن عليه السلام شده، که از میان این سوالات، سوالی در مورد نحوه آفرینش زمین بوده است، که همین سوال از محمود صرخی که ادعای اعلییت را دارد، سوال شده است، و این ینده فقیر تصمیم گرفتم که این جواب را در یک کتاب بیاورم تا برای جوینده حق از طریق مقایسه جواب های آن ها، برای روشن شدن حقیقت با مشکل مواجه نشود، و تشخیص یکی از جواب هایی که صاحب آن دچاره توهم شده و پاسخ های درهم داده با پاسخ هایی که قرآن آن ها تایید نموده است.

۱- بقره: ۲۵۶.

۲- بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۱۲۶.

خداوند متعال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۳﴾ .

(او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [صریح و روشن] است؛ که اساس این کتاب می باشد؛ و قسمتی از آن، «متشابه» است، اما آن هایی که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند).

**شیخ حیدرزیادی**

**۲۹ / ذوالقعدة / ۱۴۲۶ هـ . ق**



## جواب محمود صرخی از کتابش:

### بحث در تفسیر: آفرینش زمین و چیزهای بر آن در قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

آفرینش زمین:

خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ أَلَيْسَ لَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ .... \* فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾<sup>(۴)</sup> (بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید، کافر هستید و برای او همانندهایی قرار می دهید؟! او پروردگار جهانیان است!\*) او در زمین کوه‌های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقدر فرمود، - اینها همه در چهار روز بود- درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان!.....\* در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی [ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهابها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا!).

## سوال:

از ترتیب آیات قرآن کریم می فهمیم که خداوند سبحان و تعالی زمین را در دو روز آفرید و بر کات (نعمت ها) آن را در چهار روز قرار داد .

وایشان هفت آسمان ها را با تمام ساکنانشان و نعمت هایش را دو روز آفرید . وما می دانیم، به این که در آسمان دنیا خداوند ستاره های آفرید که تعداد آن ها به میلیارد ها

ستاره می رسد، و از اجرام آسمانی به میلیون ها می رسد، و این غیر از موجوداتی که در بقیه آسمان ها وجود دارد.

چرا آفرینش زمین به تنهایی در دوروز و نعمت های موجود در آن در چهارروز بوده است، در حالی که آفرینش بقیه آسمان ها و اجرام آسمانی بیشتر از دوروز نبوده است؟

بسمه تعالی:

خداوند به علت و حکمت عالم آگاه است، و بر شما و ما اشکالی نیست به چند امر در این مقام ملتفت شویم:

**اول:** به این که این آیه شریفه، به خلقت ساکنان آسمان ها و مقرر نمودن نعمت های آنان اشاره ای نشده است، و ترتیب آیه اشاره به مدت قرار گرفتن کوهها و برکات و تقدیر نعمت ها شده است، اما به نسبت آسمان ها به مدت آفرینش و قضای آن ها اشاره دارد و مدت زمان دیگری که به غیر آن اشاره دارد، ذکر نکرده است، این بر حسب ظاهر تفسیر است. و آن مفید خواهد بود، حتی اگر بر نحوی سوالات و احتمالات باشد.

**دوم:** احتمال دارد که گفتن روز(یوم) در این آیات و غیره اشاره به قسمتی از زمان باشد(همان روز زمینی نیست) و این قسمت از زمان شامل حادثه ای از حوادث می باشد، و نظر و مقصود از دوره زمانی و یا حادثه ای که در آن واقع شده، خواهد بود که شاهد و گواه آن فرموده خداوند متعال است که می فرماید: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّأُولَهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾<sup>(۵)</sup>. (و ما این روزها را در میان مردم می گردانیم).

**سوم:** و از مورد دوم استفاده می شود که شاید منظور از دو روز همان تکوین زمین خواهد بود یعنی بر زمین در هنگام تکوین(ساختن شدن) از دو مرحله و یا دو حالت متغییر گذشته است، مانند حالت مایع و حات جامد و یا حالت گازی و جامد.

**چهارم:** بر ما که تفسیر زمین و معانی احتمالی گفته شده در آن رابه دیده اعتبارنگاه شود، وهم چنین تفسیر آسمان و سوالات محتمل در معانی آن است .

**پنجم:** توجه به این که بیشتر تفاسیر اشاره به این که روز های ذکر شده در آیه شامل دوروز آفرینش زمین است و تقدیر زمان ها و غیره در دوروز خواهد بود.

\*\*\*

و تا این جا بحث محمود صرخی مربوط به (آفرینش زمین) تمام می شود که من حرف به حرف آن را نقل نمودم .

**ملاحظه:** سوال کننده در سخنش خدا نموده: (الاقوات، و اوقا تها) (زمان ها، نعمت ها) و صحیح آن همانطور که در آیه است (اقواتها)، ، و محمود صرخی خطایش را در نکته پنجمش تکرار نمود و گفت: (و تقدیر زمانش بوده است) بدون آن که متوجه شود، و به هر حال خطا ء را چاپی حساب می کنیم و از آن چشم می پوشیم .

### تعلیق:

بعد از مطلع شدن از سوال اول از کتاب محمود صرخی (آفرینش زمین و چیزهای بر آن در قرآن) که نصف اول این کتاب در مورد بحث تفسیری، سوالی که به آفرینش زمین اختصاص یافته است، می باشد، که در مورد آن باید به چند امر توجه نمود:

### اولا: گفته محمود صرخی:

اول: این که این آیه شریفه، به خلقت ساکنان آسمان ها و مقرر نمودن نعمت های آنان اشاره ای نشده است، و ترتیب آیه اشاره به مدت قرار گرفتن کوهها و برکات و تقدیر نعمت ها شده است، اما به نسبت آسمان ها به مدت آفرینش و قضای آن ها اشاره دارد و مدت زمان دیگری که به غیر آن اشاره دارد، ذکر نکرده است، این بر حسب ظاهر تفسیر است .  
و آن مفید خواهد بود، حتی اگر بر نحوی سوالات و احتمال باشد.

**می گویم:** فرموده آیه که در آن اشاره نشده است، صحیح نیست اگر مقصود فقط اشاره باشد، اما اگر محمود صرخی یک بیان صریح و واضح با دقت امور می خواهد، در آن وقت برای سوال کننده احتیاجی نبود که از محمود صرخی سوال نماید، و آیه می گوید:

﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَّمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾<sup>(۶)</sup>. (در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی [ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهابها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا!).

و آن ها را به صورت هفت آسمان آفرید: که در این جا اشاره به آفرینش و آماده کردن آن ها ست، و فرموده خداوند متعال آن ها را بوجود آورد (قضاهن) و نه سر نوشت آن ها (قضائهن) یعنی از قضاء می آید... همان طور که محمود صرخی گمان نمود و نوشت .... و نبی دانم که محمود صرخی از کجا همزه را آورد آن را قبل از نون قرار داد تا کلمه (قضاهن) در قرآن را به (قضائهن) تبدیل کند .

﴿وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَّمَاءٍ أَمْرَهَا﴾: آن یک آیه است و چند آیه نیست که محمود صرخی از آن غافل شود و آیا از خود پرسد قبل از این که جواب بدهد، با این که ذکر می کند که امر هر آسمانی به آن وحی شده است، و همه آن ها در دو روز بوده است و آیه خیلی واضح و روشن است و از همین جا اشکالات و سرگردانی واضح در سخن محمود صرخی آشکار می شود (... و اگر مدت دیگری که به غیر آن اشاره می کند، ذکر نمی کند، و این بر حسب ظاهر تفسیر است)، بلکه بر حسب ظاهر تفسیر به این که دو روز شامل آفرینش آسمان ها و امور آن ها و نه فقط آفرینش آسمان هاست .

﴿وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾، و آسمان دنیا آخر آسمان هاست (یعنی آسمان ما) و آن با ستارگان زینت شده است، و آن آخرین کار یعنی زینت است،

یعنی خداوند بعد از این که آسمان ها را آفرید و آفرینش آن ها و نعمت ها وزینتش را تمام نمود و آن ها را حفظ نمود که آن تقدیر و خواسته خداوند متعال است، یعنی این که مراقبت و حفظ آن (از شیاطین) موجود بود اما عمل نمی کرد تا این که حضرت محمد(ص) را مبعوث نمود، آن چه که مشهور است، و برای کسی که مطالعه کرده هر چند مطالعه نا چیز باشد بر تفسیر قرانی در می یافت که آسمان از کسانی که سخنان را می دزدیدند محافظت نمی شد مگر بعد از بعثت حضرت محمد(ص) که این کار منع شد، با این که این حفظ مانند یک دستور موجود و مخلوق بوده است، که این امر را آیه ذکر کرده است: ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾

**می گویم:** (این حفظ جزء دو روز بوده یا نبوده است؟) و همه آن در دو روز بوده است.

با این که مضمون سوالی که سوال کننده از محمود صرخی سوال نموده این طور بوده است: (چرا آفرینش زمین در چهار روز و آسمان در دو روز بوده است؟؟؟)  
می بینیم که محمود صرخی به صورتی که برای سوال کننده مفید باشد، در نکته اول پاسخ نمی دهد، بلکه خواننده را دور از سوال برده و آن جواب نداده است و از آن چه از وی سوال شده جواب نمی دهد و این ملاحظه در بیشتر جواب هایش دیده می شود، متوجه این امر باش تا خود آن ها را ملاحظه نماید.

**دوم:** سخن محمود صرخی:

دوم: احتمال دارد که گفتن روز(یوم) در این آیات و غیره اشاره به قسمتی از زمان باشد(همان روز زمینی نیست) و این قسمت از زمان شامل حادثه ای از حوادث می باشد، و نظر و مقصود از دوره زمانی و یا حادثه ای که در آن واقع شده، خواهد بود که شاهد

وگواه آن فرموده خداوند متعال است که می فرماید: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاؤُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾<sup>(۷)</sup>. (و ما این روزها را در میان مردم می گردانیم).

**می گویم:** وگفته اش قسمتی از زمان است: که در آن هیچ جوابی وجود ندارد، خوانده

محترم به جواب مراجعه کنید و آیا یک جواب منطقی به سوال فهمیدید؟

و سوال این بوده، چرا آسمان در دوروز وزمین در چهارروز آفریده شده است؟ و آیا منظور محمود صرخی از روز آسمانی مثلا با متر (یعنی بزرگ) و چهارروز زمین با سانتی متر (یعنی کوچک)، یا به چه چیزی، اندازه می گیرند؟!!!

و آیه بین این روزها، دوروز و چهارروز، فرقی نمی گذارد، غیر از این که منظور از روز همان روز زمینی یا غیره باشد.

آیه ای که به آن محمود صرخی استدلال نموده همان فرموده خداوند متعال است که می

فرماید: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاؤُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾، و آیه کامله این صورت است: ﴿إِنْ يُمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ

مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاؤُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا

يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾<sup>(۸)</sup>. (گر به شما جراحتی رسید (و ضربه ای وارد شد)، به آن جمعیت نیز

جراحتی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها را در میان مردم می گردانیم؛ -و این خاصیت

زندگی دنیاست-) تا خدا، افرادی را که ایمان آورده اند، بداند (و شناخته شوند)؛ و خداوند

از میان شما، شاهدانی بگیرد. و خدا ظالمان را دوست نمی دارد).

و این آیه به روزهای حکومت ها و روزهایی که در بین مردم رواج دارد و تا زمان دولت

حضرت قائم می باشد، اشاره دارد، و کسانی که ایمان آورده اند را به عنوان شاهدان در

طول زمان هستند که آن ها همان حجج الهی علیهم السلام هستند، همان طور که در روایات آمده

که زمین از حجت الهی خالی نمی ماند، و آیه که محمود صرخی به آن استدلال نمود از

۷- آل عمران: ۱۴۰.

۸- آل عمران: ۱۴۰.

موضوع بدوراست و آن (وآن همان اختلاف روزپیش خدا - واز آن ها روزهای آفرینش - از روززمینی معروف است).

وهنگامی که گفته آقای مرجع دانا را قرائت می نمودم، درکنارم دوستی که خواندن را به صورت درست بلد نبود، نشسته بود، وبه ایشان گفتم: با کدام آیه می توان استدلال نمود که روزهایی که خداوند با آن ها آسمان ها وزمین را آفریدبرخلاف روززمینی است، ودوستم خواندن بطور کامل بلد نبود، همان فرموده خدای متعال را گفت ومضمون آیه را گفت: ﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾<sup>(۹)</sup> (فرشتگان و روح بسوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است!) وشخص دیگر که در کنار ما بود گفت: ﴿... وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾<sup>(۱۰)</sup>. (و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می شمردید!).

وگفتم: ای کاش آقای مرجع دانا قبل از پاسخ دادن به این دوستم مشورت می نمود. وآن نزدیک ترین استدلال به اختلاف روزهای آفرینش آسمان ها وزمین از روززمین از فرموده متعال: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدُأُولُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ خواهد بود، وآقای مرجع دانا محمود صرخیدر صد رسانده فکر ونظر بوده است ؛ به این که روزهای خدا مانند روزهای مردم نیست ... اما تعبیر به وی خیانت نمود ... مگر این طور نیست؟!!

### سوم: گفته محمود صرخی:

سوم: واز مورد دوم استفاده می شود که شاید منظور از دو روزهمان تکوین زمین خواهد بود یعنی بر زمین درهنگام تکوین(ساختن شدن)از دو مرحله ویا دو حالت متغییر گذشته است، مانند حالت مایع وحات جامدویا حالت گازی وجامد.

می گویم: آیا آقای مرجع دانا محمود صرخی از خودش سوال کرده یا به آیه کریمه کی نگاهی کرده قبل از این که این احتمال برای زمین که در دوروز(دو حالت متغیر) مطرح

۹- معارج: ۴.

۱۰- حج: ۴۷.

نماید، واگر آیه چهارروز را ذکر می کند، که برای تقاضا کنندگان برابر است، کدام تقاضا کننده: (خداوند از روزها با فرموده برابر یعنی متساوی بیان می کند) و هیچ تغایر دیگری را بیان نمی کند و از کجا محمود صرخی با این تغایر آمده است؟ ﴿... وَقَدَّرَ فِيهَا أَوْقَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءٍ لِّلسَّائِلِينَ﴾.

و نظر و عقیده محمود صرخی برای هفت آسمان ها که زمین یکی از آن است چیست؟ آیا برای آسمان ها حالتی مایع یا جامد نیز گذشته است، و یا برای آسمان ها فقط حالتی از گاز به حالت گاز دیگر است؟! آیا چه چیزی ..... و آیا جناب مرجع اعلم آن دو حالت متغییری که بر آسمان ها گذشته را برای ما توضیح داده است .

**چهارم:** گفته محمود صرخی:

چهارم: بر ما که تفسیر زمین و معانی احتمالی گفته شده در آن رابه دیده اعتبار نگاه شود، و هم چنین تفسیر آسمان و سوالات محتمل در معانی آن است.

**می گویم:** سوال کنند ه از سبب آفرینش آسمان ها در دو روز و آفرینش زمین در چهارروز سوال می کند، و چه چیزی مانع جناب مرجع اعلم شده که این معانی و نظریات و علاقه آن ها به سوال را توضیح بد هد، و یا این که محمود صرخی نسبت به این معانی جهل می ورزد و آن ها را مهم تر ک نمود و از سوال کننده خواست در باره آن ها در مصادر دیگر بگردد، و یا این که برای آن ها معانی دیگری وجود دارند که علاقه ای به سوال نداشتند و جناب مرجع اعلم خجالت کشید که آن ها را ذکر کند، زیرا آن ها سبب سوئی فهم جواب می شوند .

**پنجم:** گفته محمود صرخی:

پنجم: توجه به این که بیشتر تفاسیر اشاره به این که روزهای ذکر شده در آیه شامل دوروز آفرینش زمین است و تقدیر زمان ها و غیره در دوروز خواهد بود.



**می‌گوییم:** که این در منتخب تبیان موجود است، و آن نظر صاحب تفسیر است، و اگر آفرینش زمین در دو روز و بر کات و نعمت های آن در چهار روز و آسمان ها در دو روز بوده است، در آن وقت تعداد روز ها هشت روز می شود اما اولویت مراجعه به مرجع اعلم و بالاتر وزیرک ترین آن ها که محمود صرخی است، می باشد که خداوند در فرموده اش گواهی می دهد: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ﴾<sup>(۱۱)</sup>. (ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز [شش دوران] آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید!).

و یا فرموده اش: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾<sup>(۱۲)</sup> (او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید؛).

و یا فرموده اش: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾<sup>(۱۳)</sup>. (خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز [شش دوران] آفرید)

و یا فرموده اش: ﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾<sup>(۱۴)</sup>. همان (خدایی) که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز [شش دوران] آفرید؛

و یا فرموده اش: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾<sup>(۱۵)</sup>. (او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید؛

۱۱ - ق: ۳۸.

۱۲ - حدید: ۴.

۱۳ - سجدة: ۴.

۱۴ - فرقان: ۵۹.

۱۵ - هود: ۷.

و یا فرموده اش: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾<sup>(۱۶)</sup>. پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید؛

**می‌گوییم:** برای محمود صرخی اولتر هر کس دیگر که به این آیات به جای گفته اش گواهی بگیرد: در بیشتر تفاسیر است که آسمان ها و زمین در شش روز آفریده شدند. و کمان نهی کنم که وی نهی داند که  $۶ = ۴ + ۲$  است. و این احتیاجی به شاهد آوردند تفسیر دیگری غیر معصوم و آن انسانی که در فرمایش خدا دچار خطاء می شود، است بلکه بهتر است که فرموده خدا شاهد و گواه باشد اما ایشان به اصحاب تفاسیر گواهی گرفت و از فرموده خدادار کتابش اغراض نمود، زیرا که قلبش آبی را نوشید که .... ﴿وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۱۷)</sup> (و دل‌های آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: «ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می‌دهد، اگر ایمان دارید!)).

و سوال کننده در نصف اول سوالش دچار توهم شده یعنی در گفته سوال کننده (چرا آفرینش زمین به تنهایی در دوروز و نعمت های موجود در آن در چهار روز بوده است، در حالی که آفرینش بقیه آسمان ها و اجرام آسمانی بیشتر از دو روز نبوده است؟).

دو روز + چهار روز + دو روز = هشت روز؛ و این یک خطای واضح است.

اما چرا؟ بحث تمام شد و به جواب روشن و شفاف که چه دور یا نزدیک باشد، نرسیدیم، و محمود صرخی (الماء بعد الجهد بالماء) تفسیر نمود که می خواست آن ها را توضیح دهد اما دچار توهم شده، که به عبارت دیگر می خواست چشم سوال کننده را سرمه بکشد، اما سبب کوری وی شد.

شکر خدا مخصوص خداست که بنده خود را نصرت داد و به سربازانش عزت داد و تمام احزاب را شکست داد.

۱۶ - یونس: ۳.

۱۷ - بقره: ۹۳.

به خواننده محترم یک بار دیگر می گویم که مضمون سوال سوال کننده این بود ه(چرا آفرینش زمین به تمهایی در دوروز و نعمت های موجود در آن در چهارروز بوده است، در حالی که آفرینش بقیه آسمان ها و اجرام آسمانی بیشتر از دو روز نبوده است؟). و سوال کننده جواب می خواست ... ای محمود صرخی !!!

برای مقایسه جواب سید احمد الحسن با جواب محمود صرخی، برای خواننده محترم جواب سید احمد الحسن علیه السلام از کتاب متشابهات ج ۴ ص ۱۲۷-۱۳۷ را حرف به حرف نقل می کنم که بر آن استاد ضیاء زیدی حاشیه نگاشته و تعلیق نموده است .

\*\*\*

### جواب سید احمد الحسن علیه السلام وصی و رسول امام مهدی علیه السلام

متشابهات ج ۴ ص ۱۲۷-۱۳۷:

سوال؟ ۱۷۵: خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ أِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ \* ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ \* فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾<sup>(۱۸)</sup>

(بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانندهایی قرار می دهید؟! او پروردگار جهانیان است!) \* او در زمین کوه های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقدر فرمود، - این ها همه در چهارروز بود- درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان! \* سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آید (و شکل گیرید)، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه!» آن ها گفتند: «ما از روی طاعت می آییم (و شکل می گیریم)!» \* در این هنگام آن ها را

بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی [ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهاب ها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا!

چرا مدت آفرینش زمین و نعمته ای آن در چهارروز بوده در حالی که آفرینش آسمان ها در دوروز بوده با این که آسمان ها بزرگ تر و عظیمت تر هستند؟

### جواب:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّكُمْ تَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ

أُنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾.

آفرینش زمین در یک روز، و نعمت ها را در یک روز و آن چه در زمین از جمادات را در یک روز و هر آن چه که از موجودات (نباتات و حیوانات) را در یک روز آفرید.

و خداوند متعال می فرماید: ﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيًا مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ

أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ﴾.

﴿جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيًا﴾: و آن ها کوه ها هستند، و آن ها جزء همان روز اول در عالم جسمانی

هستند، یعنی آن ها (کوه ها)، در آن (در زمین) تجلی یافتند، و از بالای آن ها (یعنی از آسمان)، و گرنه آن ها ظاهرشان بر سطح زمین هستند، یعنی آن چه از کوه ها که در بالا دیده می شود خیلی کمتر از آن مقدار از کوه های که در باطن زمین قرار دارند، و بیشتر از دوسوم کوه در باطن زمین قرار دارد، به همین جهت از آن ها با (استوار) تعبیر شده است، یعنی آن ها سبب پایداری زمین هستند، که گویی آن ها مانند میخ های زمین هستند که زمین را ثابت کرده اند ﴿وَالْجِبَالَ أُنْدَادًا﴾<sup>(۱۹)</sup>، یعنی تثبیت کننده سطح زمین و مانع حرکت آن

می شود با اینکه حرکت باطنی زمین مستمر است، خداوند متعال می فرماید: ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا فَعَلُونَ﴾<sup>(۲۰)</sup> (کوهها را می بینی، و آنها را ساکن و جامد می پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند؛ این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده؛ او از کارهایی که شما انجام می دهید مسلماً آگاه است!)، یعنی آن ها متحرک اما همراه حرکت زمین هستند و مانع اختلال و انفصال شدن سطح زمین از باطن زمین می شوند، که در آن صورت حرکت زمین موزون خواهد بود.

﴿وَبَارِكْ فِيهَا﴾: و آن همان آب بر که هاست که از آسمان نازل شده است و آن هاجزء روز اول در عالم جسمانی هستند، ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>(۲۱)</sup>. (و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم).

﴿وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءٍ لِّلسَّائِلِينَ﴾: در عالم جسمانی فقط دو روز است: روز زمین و آب، و روز زندگی (گیاه و حیوان).

خداوند متعال می فرماید: ﴿أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ﴾؛ به این که کوه ها در عالم جسمانی، یعنی ظاهر شدن برای همه آسمان است، و آن ها استواردهنده جهان هستند.

خداوند متعال می فرماید: ﴿مِن فَوْقَهَا﴾ یعنی این که آسمان در آن تجلی یافت.

۲۰- نمل: ۸۸.

۲۱- اعراف: ۹۶.

﴿وَبَارِكْ فِيهَا﴾: وبرکه در عالم جسمانی همان: آب است واین که آن ظهوری برای برکات شش آسمان است ووبرکه(برکات) همان علم در آسمان است .

واین دو امر ﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا﴾ و ﴿وَبَارِكْ فِيهَا﴾ آن هاهمان دوروزبرای همه هفت آسمان و شش آسمان مثالی هستند.

﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ \* فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَّمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾<sup>(۲۲)</sup>. (سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آید(و شکل گیرید)، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه!» آنها گفتند: «ما از روی طاعت می آییم(و شکل می گیریم)!»)\*\* در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن(آسمان) را وحی(و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی [ستارگان] زینت بخشیدیم، و(با شهابها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا!).

﴿فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ﴾: وآن همه هفت آسمان است و آسمان های مثالی آسمان جسمانی جزء آن ها نیستند(زمین در معنای باز تر که شامل خورشید ها و سیارات می شود).

آفرینش هفتایی در یک روز، و ملکوت در یک روز و آسمان اجسام در یک روز وحی نمودن امر هر آسمانی در یک روز بوده است .

در یک روز به هفت آسمان امرش را وحی نمودودر یک روز امر آسمان های ملکوتی وحی نمود ودر یک روز امر ملک(سلطنت)وحی نمود است .

یعنی آن ها(آسمان ها و زمین ها)در دوروز تمام شدند: یک روز برای آفرینش ویک روز برای امر بوده است.

﴿وَرَبَّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا﴾ واین پیرو(تابع) همان روز اول زمین است، زیرا که آسمان دنیا به دو آسمان تقسیم می شود: (آسمان اول مثالی) و(آسمان دنیای جسمانی)، و آن ها از یک جهت یک آسمان هستند؛ و آن ارتباط آسمان اولی با عالم جسمانی، و ارتباط تدبیر مستقیم است. و دو آسمان؛ زیرا اولی: ملکوت اجسام، و هر کدام از آن ها از آن به آسمان دنیا تعبیر می شود؛ زیرا آسمان اولی ملکوت اجسام است و هر دو تماماً با هم مرتبط هستند.

و جان ها(انفاس) در آسمان اولی، و آن همان تدبیر اجسام در آسمان دنیا است، و آیا بین نفس انسان و جسمش انفصال وجدایی می بینی! و در همان وقت می گویم: مگر اختلاف بین نفس انسان و جسمش را نمی بینی!

و از آن چه بیان شده یاد بگیر که روزها شش روز هستند و آن ها:

آسمان هفتی در یک روز آفریده شد، و برکات و نعمت هایش(امر آن) در یک روز بوده است. و شش آسمان در یک روز و نعمت هایش در یک روز آفریده شده اند.

و زمین(و آن چه که از عالم جسمانی است) در یک روز و نعمت هایش در یک روز بوده است. و یا آفرینش نور و امرش در دوروز بوده، و آفرینش مثال(ملکوت) و امرش در دوروز، و آفرینش ملک(اجسام) و از زاق آن در دوروز بوده است، و باید به این که امتداد آن ها از بالا به پایین باشد، زیرا که ملکوت تجلی و ظهورش برای نور است و همین طور ...

و لازم که ملاحظه شود به این که آسمان اولی همان نهایت آسمان دنیا است، یعنی این که آسمان دنیا از این عالم جسمانی شروع، و در اول عالم ملکوتی روحانی منتهی می شود، یعنی نهایت آن نقطه وصل و نهایت آن و یا نقطه وصل همان آسمان اولی است، در زیارت جامعه می خوانیم: (... و حجج الله علی أهل الدنيا والآخرة والأولی ...) (۲۳). (و حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت و این جهان ...).

و در قرآن آمده: ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾<sup>(۲۴)</sup>. (و او خدای است که معبودی جز او نیست؛ ستایش برای اوست در این جهان و در جهان دیگر؛ حاکمیت (نیز) از آن اوست؛ و همه شما به سوی او بازگردانده می شوید!) و خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ﴾<sup>(۲۵)</sup>. (ما عالم نخستین را دانستید؛ چگونه متذکر نمی شوید (که جهانی بعد از آن است)؟!).

در اولی دو عالم است: عالم ذر و عالم رجعت، و در آن ها جان ها قرار دارند، و خدای سبحان و تعالی به عالم اجسام از زمان خلقتش به آن ها نگاه نمی کند همان طور که رسول الله صلی الله علیه و آله<sup>(۲۶)</sup>، فرمودند، به این که محل اهتمام از نهایت عالم اجسام شروع می شود، و آن نهایت آسمان دنیا، و این نهایت آسمان اولی است.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾<sup>(۲۷)</sup>. (ما بر بالای سر شما هفت راه [طبقات هفتگانه آسمان] قرار دادیم؛ و ما (هرگز) از خلق (خود) غافل نبوده ایم!) هفت راه (طبقات هفت گانه) همان: (هفت آسمان) از آسمان اولی تا آسمان هفتمی، و آسمان دنیای جسمانی جزء آن ها نیست؛ زیرا آن زیر ما نیست بلکه این ما هستیم که بر بالای آن قرار داریم، و آن ایستگاه سازندگی و آن (زیر و بالای ما) از تمام جهات زمین است)، ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾<sup>(۲۸)</sup> (آنان با عجله از تو عذاب می طلبند، در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد!)، و بعد از آن چه خواهیم آورد، می فهمی که چرا این آیه را در این جا آورده ام.

۲۴- قصص: ۷۰.

۲۵- واقعه: ۶۲.

۲۶- فی تفسیر الفاتحة للملا صدرا: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (إن الله لم ينظر إلى الأجسام منذ خلقها).

۲۷- مؤمنون: ۱۷.

۲۸- عنكبوت: ۵۴.



واین به این معنی است که اگر آسمان‌ها به این تفصیل حساب شوند، هشت آسمان خواهند بود و هفت آسمان نیستند، وگرنه دنیا جسمانی به حساب نخواهد آمد، زیرا آن جزء ی از آسمان دنیا و آن چه از آسمان اولی و آسمانی جسمانی که در آن است، و اگر اولی یا دنیا را ذکر نمودی و آن جزء آن هاست، زیرا آن جزء ی از آن و تابع آن است.

آسمان جسمانی گاهی خود (زمین) به حساب می‌آسد و گاهی (آسمان دنیا) به حساب می‌آید، زیرا آن‌ها جانب مرئی آن است. و در آسمان جسمانی زمین بلکه همه هفت زمین، و در هفتمی (جهنم)، همان طور که بهشت در آسمان دومی است، اما در اولی (بهشت زمینی) که همان بهشت حضرت آدم است؛ وجود دارد، زیرا اولی همان طور که بیان کردم، آن جزء ی از آسمان دنیا که همان ملکوت آن است.

علي بن إبراهيم، از پدرش، از احمد بن محمد بن أبي نصر، از حسین بن میسر، گفت: از ابا عبد الله عليه السلام در مورد بهشت حضرت جنة آدم عليه السلام سوال نمودم، و فرمودند: **جنة من جنان الدنيا تطلع فيها الشمس والقمر ولو كانت من جنان الآخرة ما خرج منها أبداً** <sup>(۲۹)</sup> (بهشتی از بهشت‌های دنیا بود که در آن خورشید و ماه طلوع می‌کرد، و اگر از بهشت‌های آخرت بود هیچ‌گاه از آن خارج نمی‌شد)

﴿وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا﴾: چراغ‌ها همان انبیاء و رسولان و اوصیاء بودند که کسانی که از آن‌ها پیروی می‌کنند را از وسوسه‌های شیطانی را تعالیم و اخلاق الهی که به مردم می‌آموزند، محافظت می‌نمایند. و ظهور آن‌ها در آسمان جسمانی با سیارات و خورشیدها روشن‌گراست زیرا که بیشتر تاریکی در آسمان است، و مقدار ستارگان به نسبت تاریکی بسیار کم است همان طور که در زمین تعداد پیامبران کم و تعداد مخالفین و کسانی که با آن‌ها می‌جنگند و از آن‌ها تخلف می‌کنند و یاریشان نمی‌دهند، زیادند.

و همیشه اقلیت پیامبران و اوصیاء و یاران‌شان بودند مانند (کمی ستارگان در آسمان جسمانی است).

ودر نهایت حرکت این فلک بزرگ (منظورم هرم نزولی)، وابتدای صعودبه سوی آخری، این عالم جسمانی با تحول و تغییر به جهنم و آتشدان شروع می شود، و کسانی که این زینت های زمین اختیار نمودند عاقبت آن ها بازگشت آن ها به چیزی که انتخاب نمودن وبه خاطر آن از خدا نا فرمانی کردن، خواهد بود، بودن آن ها در آن چقدر کوتاه خواهد بود زیرا آن جهنم سوزان به اعمال و افعال و ظلم آن ها خواهد بود.

و حالا برای شما علت آوردن آیه گذشته واضح شده است: ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾

ودر هنگام شروع صعود (هرم نزولی) ابتدا (عالم رجعت) و آن جهان و امتحان دیگر برای کسی که داری نهایت ایمان و کسی که نهایت کفر را دارد، و جهان رجعت از ابتدای نهایت حکومت مهدی دوازدهم علیه السلام و ایشان قائمی هستند که امام حسین علیه السلام بر ایشان خروج می کند (۳۰).

اما فرموده خداوند متعال: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ \* فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾، آیه ای که هر کس آن را بخواند گمان می کند که آن (سپس) بر بعدش دلالت می کند: یعنی سپس بعد از این که زمین را آفرید و نعمت هارا در آن ها قرارداد ... آن گاه به آفرینش آسمان پرداخت ....

و آن در حقیقت بر آن دلالت نمی کند، بلمه معنی (ثم) در این جا همان (توبیخ) با عطف بر همه کلام است، وبه خصوص بر آفرینش زمین نیست، یعنی این که عطف بر معنای توبیخ

---

۳۰- و الحدیث الذی یشیر الیه السید علیه السلام هو هذا: (دخل علي بن أبي حمزة البطائني على أبي الحسن الرضا علیه السلام فقال له: (أنت إمام؟ قال: نعم. فقال له: أي سمعت جدك جعفر بن محمد علیه السلام يقول: لا يكون الإمام إلا وله عقب. فقال: أنسيت يا شيخ أو تناسيت؟! ليس هكذا قال جعفر علیه السلام، إنما قال جعفر علیه السلام: لا يكون الإمام إلا وله عقب، إلا الإمام الذي يخرج عليه الحسين بن علي علیه السلام فانه لا عقب له. فقال له: صدقت جعلت فداك، هكذا سمعت جدك يقول) بحار الأنوار: ج ۲۵ ص ۲۵۱.

در آیات گفته شده است، ﴿قُلْ إِنَّكُمْ تَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ...﴾، ومعنا آن در این جا: (سپس مگر او نیست که به آفرینش آسمان پرداخت.... پس چگونه به آن کفر می ورزید). ملاحظه کن که در این آیه آخری آسمان و زمین را ذکر نمود، خداوند متعال می فرماید: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا﴾، و اگر زمین قبل از آن آفریده شده، پس چه معنای دارد که آن را دوباره بیافریند ﴿ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا﴾؟! بلکه مقصود در این جا توضیح صورت به شکل دیگر و بر وجه دیگر است، در حالی که در آیات گذشته ﴿قُلْ إِنَّكُمْ تَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ...﴾ شرح و ذکر نعمت هایی که خداوند سبحان آن را ذکر نموده و در این آیات ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ...﴾ بیان کیفیت آفرینش یا بیان این آیه ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾.

و این مراحل، یعنی آفرینش آسمان هفتم، سپس شش آسمان ها (سموات)، سپس جهان اجسام، که باید این ترتیب تسلسلی باشد؛ زیرا یکی بر دیگری معتمد است، و ممکن نیست که آفرینش شش قبل از هفتی باشد، زیرا آن ها (یعنی شش آسمان ها) بعد از آفرینش هفتی بوده است، و آفرینش اجسام بدون آفرینش شش آسمان ها ممکن نیست؛ زیرا آن ها از شش آسمان ها آفریده شده اند، بلکه به خصوص اولی به آن ها مرتبط است (یعنی با اجسام)، و اولی همان عالم ذر و آن همان عالم رجعت است، و از همین جا بعد از آفرینش ما در عالم ذریه جهان اجسام وارد شدیم، و از جهان اجسام بسوی عالم رجعت خارج خواهیم شد، و این همان سیر نزول (هرم نزولی) است، که برای آن سه رکن است، همان طور که برای سیر صعودی (هرم صعودی) سه رکن است، و با آن ها شش تا خواهند بود و آن همان: (سپرداود) و سپر انبیاء و اوصیاء است.

اما شش روز آفرینش: و آن ها روز هایی به معنای مدت زمانی، نیستند، بلکه آن ها مراحل هستند، یعنی در شش مرحله هستند، که آن ها ضروری و چاره ای برای آن ها نیست، و باید در مرحله اولی آفرینش نور و امر آن، سپس ملکوت و امر آن، سپس اجسام و نعمت های آن ها، که هر مرحله بر مرحله گذشته اش معتمد است. و این شش مرحله حتی هستند، یعنی باید از روز اول (مرحله اول) به این که آسمان هفتی خلق شود و در روز

دوم (مرحله دوم) امر آن ها آفریده شود زیرا که امر آن ها از آن خلق شده است، و باید با یک مرحله متاخر از آن باشد، سپس از آن و امرش مثال (ملکوت) شش آسمان ها تا اولی (و آن نهایت آسمان دنیا ست) خلق شوند، سپس در ملکوت امر آن ها خلق شود، زیرا آن از آن آفریده شده، و در روز سوم ملکوت و در چهارم امرش تا ملکوت بر خلق هفتمی (روز اول) و امر آن ها (روز دوم)، اعتماد کند، و آفرینش ملکوت در مرحله سوم تمام می شود، سپس امرش در چهارمی، که بر آن اعتماد کند زیرا از آن آفریده شده است.

و همین طور روز پنجم و ششم، یعنی آفرینش عالم اجسام و یا جهان جسمانی، و یا زمین (در معنای وسیعتر) به این که شامل زمینی که ما بر آن هستیم و همه سیارات و خورشید ها می شود، سپس در آن نعمت هایش را آفرید زیرا آن از آن آفریده شده است. و نباتات از زمین خلق و بر آن می رویند، و حیوان از زمین آفریده و بر آن زندگی و از آن تغذیه می کند.

و این شش روز و یا شش مرحله حتی هستند که خلق (موجودات) به ترتیب آن ها احتیاج دارد، و پایی به بالای احتیاج و به آن نیاز مند است، و اجسام (ملک) و یا عالم مشاهده نیازمند ملکوت و ملکوت محتاج و نیازمند نور (همه قفتای) است، یعنی به عبارت دیگر: همه آن ها همگی در دوروز آفریده شده اند، همان طور که خداوند متعال می فرماید: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ \* فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾.

به این که آفرینش آسمان هفتمی و امر آن در دو روز، و بقیه از آن ها ست، بلکه آن تجلی و ظهور آن هاست، و آن چه در هفتمی صورت می گیرد در ملکوت اتفاق می افتد، و آن چه که در ملکوت حاصل می شود در ملک نیز حاصل می شود، و رویایی که شما می بینید و در اجسام حاصل می شود چیزی نسبت مگر امری که در ملکوت حاصل شده است، و بعد از آن در این عالم جسمانی حاصل می شود.

تا این جا فرموده سید احمد الحسن علیه السلام تمام می شود.

**می گویم:** حالا برای خواننده محترم فرق بین دو طرف واضح و روشن گردید.

والحمد لله رب العالمین